بسم الله الرحمن الرحیم

به فضل الهی اولین نشست تخصصی تبیین اجمالی مقررات فقهی ساختمان روز شنبه سوم آبان ۱۳۹۹ در محل خبرگزاری رسا در شهر قم برگزار گردید. مدیر مدرسه هدایت به تبیین اجمالی ده بسته بحثی مرتبط با مقررات فقهی ساختمان پرداختند که متن کامل سخنرانی را در ادامه ملاحظه می‌فرمائید.

بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم الحمدلله رب العالمین و الصلاة و السلام علی سیدنا و نبینا و شفیعنا فی یوم الجزاء ابی القاسم محمد و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین سیما بقیه الله فی الارضین ارواحنا لآماله الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف و اللعن الدائم علی اعدائه اعداءالله من الآن الی قیام یوم الدین.

* **تبیین مقررات فقهی ساختمان در ده بسته بحثی**

همانطور که به استحضار برادران محترم رسیده است -إن شاء الله به فضل الهی- در جلسه امروز، تبیینی اجمالی‌ در مورد مقررات فقهی ساختمان خواهیم داشت که إن شاء الله این مباحثه اجمالی و مباحثاتی که در روزها و ماه‌های آینده حول این موضوع انجام خواهیم داد، کمک کند تا مملکت اسلامی ما از شر مدل‌های غلط ساخت مسکن وطراحی ابنیه نجات پیدا کند. بنده در مجموع اگر فرصت شود، ده سرفصل بحثی را محضرتان در این حوزه طرح می‌کنم. البته اگر شرایط زمانی اجازه ندهد، بعضی از بحث‌ها را تنها اشاره می‌کنم و تبیین تفصیلی آن را به روزهای آینده و جلسات دیگر موکول می‌کنم. بنده عناوین این ده سرفصل را خدمت شما قرائت می‌کنم؛ وقتی سخن از مقررات فقهی ساختمان به میان میاید، مراد ما، ده دسته بحث است و نخبگان -خصوصاً نخبگان حوزه عمران و شهرسازی- می‌توانند این مباحثات را با مقررات بیست‌ودوگانه ملی ساختمان مقایسه کنند و تفاوت‌ها را متوجه شوند.

* **بسته مقدماتی: چرائی ورود فقه به مسأله ساختمان**

بحث اول به عنوان مقدمه این است که به نظر ما تغییر هویت در ساختمان، آغاز تحولات اساسی در حوزه‌های مختلف، از جمله ارتباطات اجتماعی است. یکی از محورهایی که اگر تعریف ساختمان در آن را از تعریف فعلی تغییر دهیم، در آن تحول ایجاد خواهد شد، مسأله ارتباطات اجتماعی است. انگیزه اصلی حاکمان کشور ما در حال حاضر، ساماندهی مسأله ارتباطات اجتماعی است؛ مسأله ارتباطات فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی تبدیل به یک معضل شده است. راه حلی که بعضی از دوستان پیشنهاد می‌کنند این است که شبکه ملی اطلاعات داشته باشیم، البته حتماً شبکه ملی اطلاعات کمک می‌کند تا اندکی در این حوزه ساماندهی داشته باشیم؛ اما فکر می‌کنیم راه حل اصلی این است که هویت ساختمان را تغییر دهیم. اگر ویژگی‌های روابط انسانی -به شرحی که عرض می‌کنم- در ساختمان لحاظ شود، زیرساخت روابط میان انسان‌ها در فضای واقعی می‌شود. اساساً به این دلیل که ساختمان‌های فعلی ظرفیت لُجِستیک روابط انسانی را ندارند، گرایش به روابط در فضای مجازی ارتقا پیدا کرده است.

اگر تغییر هویت در ساختمان را بپذیریم، زیرساختی برای تربیت و بازی خواهد شد؛ یعنی مسأله تربیت، به محیط تربیت وابسته است و خانه هم یکی از مهمترین محیط‌های تربیت است. در حال حاضر به دلیل اینکه محیط‌هایی که ساخته می‌شود آپارتمانی است، نمی‌تواند مسأله تربیت را پشتیبانی کند. از جمله ممیزهای تربیت اسلامی، مدیریت مسأله بازی است. تقریباً مدیریت بازی در آپارتمان ممتنع و نشدنی است؛ حتماً باید در خود ساختمان جایگاه بازی لحاظ شود. بنابراین تغییر هویت در ساختمان، زیرساخت تربیت هم خواهد شد. برادرانی که در حوزه علمیه وارد بحث می‌شوند و در مورد مسأله تربیت گفتگو می‌کنند، اما مسأله تربیت را بدون زیرساخت خانه لحاظ می‌کنند، تمام توصیه‌هایشان در مقام واقع تحقق پیدا نخواهد کرد.

در این بخش مقدمه‌ای، عرض خواهیم کرد که مسأله ساختمان زیرساخت تفریح هم هست. اگر ساختمان با قیدهایی که در اسلام گفته شده است، طراحی شود، تفریحی متکامل‌تر از وضعیت فعلی شکل خواهد گرفت. در حال حاضر تفریح در قالب پارک یا در قالب گردشگری طراحی می‌شود، حال آنکه اساس تفریح‌های ده گانه ای که در اسلام بحث شده است، درون خانه است و باید به شکل دیگری به آنها نگاه کرد.

مسأله ساختمان و خانه، زیرساخت اقتصاد مقاومتی هم هست. یعنی اگر خانه با ویژگی‌هایی که در اسلام گفته شده است، ساخته شود و دوستان وزارت مسکن و شهرسازی از روش‌های غلطی که در طراحی ساختمان وجود دارد، برگردند و اشتباه خود را جبران کنند، می‌توان معیشت خانواده‌ها را هم بهبود بخشید.

مسأله تغییر هویت در ساختمان، زیرساخت سلامت هم هست؛ یعنی بسیاری از بیماری‌هایی که برای انسان‌ها به وجود میاید، به دلیل نور ناکافی و تهویه مصنوعی است و یا مربوط به عوامل ماورائی است که همه اینها ارتباط جدی به ساخت ساختمان دارد.

به هر حال مقدمه بحث این است که تقریباً نیمی از احکام اصلی اسلامی، وابسته به «دار واسعه» و ساختمان است که بنده به بخشی از آنها اشاره کردم؛ بنابراین دعوا بر سر مسأله ساختمان، یک دعوای مستحب -به اصطلاح فقهای فعلی- نیست، بلکه به نظر ما در حوزه نظام سازی، یک دعوای واجب است و به دلیل اینکه به نوعی همه احکام اسلامی وابسته به مسأله ساختمان است، وجوب، از آن احکام به زیرساخت آنها که مسأله ساختمان باشد، سرایت می‌کند. پس یک مقدمه تفصیلی داریم و در آن، مجموعه روایاتی را می‌خوانیم که به فهماندن اهمیت ورود حوزه‌های علمیه به مسأله ساختمان و عمران کشور کمک می‌کند.

* **بسته اول: مقررات مرتبط با محل و زمین ساختمان**

اگر از این مقدمه عبور کنیم -که إن شاء الله باز هم به آن خواهیم پرداخت-، سرفصل اول مباحثاتی که در مسأله ساختمان در آیات و روایات به آن پرداخته شده است، محل و زمین ساخت ساختمان است؛ ساختمان را در کجا باید ساخت؟ إن شاء الله عرض خواهیم کرد که در روایات، حدودی برای محل ساخت ساختمان در نظر گرفته شده است. در واقع در سرفصل اول، حساسیت بر فضای بیرونی ساختمان است و هنوز به بحث درون ساختمان ورود نداریم. ما در سرفصل اول به دنبال این هستیم که شرایط محل و زمین ساخت ساختمان را براساس آیات و روایات بحث کنیم و البته که در آنها «درایه» نیز انجام دهیم که مثلاً چرا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «الجار ثم الدار» ابتدا باید همسایه را بررسی کرد؛ یعنی محیط بیرونی خانه را ارزیابی کرد و بعد وارد مسأله خود ساختمان شد.

* **بسته دوم: مقررات مرتبط با حیاط خانه**

سرفصل دوم، بحث از حیاط ساختمان، به علاوه مسأله مهم ایوان است که إن شاء الله وارد بحث آن خواهم شد. بنده به این دلیل در تنظیم نهایی آیات و روایات ساختمان، مسأله حیاط ساختمان را در رده دوم طبقه بندی کردم که لحن روایات، به مسأله حیاط و ساحت ساختمان، اهمیت ویژه‌ای داده است. بسیاری از توضیحاتی که بنده در مقدمه عرض کردم، از جمله بازی کودکان و اقتصاد خانواده، وابسته به یک حیاط موسَّع است و اگر حیاط حذف شود، تقریباً تمام آن زیرساخت‌ها هم به چالش کشیده می‌شود. بنابراین مسأله حیاط ساختمان به علاوه زایش‌هایی که یک حیاط برای خانه ایجاد می‌کند [مانند ایوان] باب دوم مقررات فقهی ساختمان است و به آن خواهم پرداخت.

* **بسته سوم: مقررات مرتبط با جانمائی و تهیه نقشه**

سرفصل سوم، مسأله جانمایی و نقشه ساختمان است. مجموعه‌ای از روایات به ما کمک می‌کند تا نقشه درستی برای ساختمان طراحی کنیم و جانمایی اجزای ساختمان، مانند آشپزخانه، دستشویی، اتاق پذیرایی و سایر اجزا، را درست طراحی کنیم و آنها را مندرج و مندک در هم نبینیم. پس به این سرفصل هم خواهیم پرداخت. خصوصاً وقتی آخرین اخبار و اطلاعات حوزه ساختمان در دنیا را رصد می‌کنم، متوجه می‌شوم که خانه‌های بدون حریم و حجاب، به شدت در حال گسترش هستند. نقشه‌هایی در حوزه ساختمان و عمران مشاهده می‌شود که آن نقشه‌ها به صورت حداکثری مسأله حجاب و حریم را نادیده گرفته‌اند؛ مثال اولیه اینها که وارد ایران شد، آشپزخانه‌های اوپن (باز) بود که در حال حاضر به سمت دستشویی و حمام اوپن هم در حرکت هستند. بنابراین ورود حوزه‌های علمیه برای اصلاح نقشه ساختمان و جانمایی اجزای ساختمان، -به شرحی که به آن خواهم پرداخت- ضامن احیای اصولی مانند حیا و آرامش است.

* **بسته چهارم: مقررات مرتبط با خرید و فروش ساختمان و مشارکت اجتماعی برای ساخت مسکن محرومین**

در سرفصل چهارم به مسأله خرید و فروش ساختمان خواهیم پرداخت که در روایات و آیات، باب مهمی است که چگونه باید یک ساختمان را خرید؟ چگونه باید یک ساختمان را فروخت؟ با پول خرید و فروش ساختمان چه باید کرد؟ آیا اجازه داریم تا خرید و فروش ساختمان را در اذهان و عینیت جامعه به مانند خرید و فروش سایر کالاها تبدیل کنیم؟ در روایات این کار نهی شده است. اگر مجموعه روایات خرید و فروش ساختمان به انضمام خرید و فروش زمین را کسی بررسی کند، متوجه می‌شود که در نظام ارزشی اسلام، خرید و فروش مسکن و زمین، جزو مکروه‌ترین مشاغل محسوب می‌شوند و اساساً اجازه نداریم تا چنین مشاغلی را در جامعه برجسته کنیم. همچنین مسأله مشارکت مردم برای تهیه مسکن مؤمنین و دیگران هم یک باب روایی است که درکتب «بحار الانوار»، «محاسن» و دیگر کتب روایی به آن پرداخته شده است؛ به این مسأله هم إن شاء الله خواهم پرداخت و توضیح خواهم داد.

* **بسته پنجم: مقررات بهره برداری از ساختمان**

سرفصل پنجم -غیر از مقدمه بحث- مقررات مربوط به بهره برداری از ساختمان است. اساساً خانه در اسلام، برای چه است و برای چه غرضی ساخته می‌شود؟ این مطلب هم باید مورد مباحثه قرار گیرد. در حال حاضر به دلیل غفلت حوزه‌های علمیه و عدم بحث در مورد کارکردهای ساختمان، حتی مردمانی که دارای دار واسعه هستند، بهره برداری صحیحی از ساختمان خود نمی‌کنند. مجموعه‌ای از فوائد را برای بهره برداری از ساختمان در روایات برشمرده‌اند که از جمله آنها توسعه صله رحم، توسعه علم آموزی و بعضی موارد دیگر است که إن شاء الله به آن خواهم پرداخت.

* **بسته ششم: مقررات مرتبط با تزئینات و دکوراسیون داخلی**

سرفصل دیگری که در مباحثات خواهیم داشت -اگر زمان اجازه دهد- ویژگی‌های ظاهری ساختمان و -به اصطلاح- تزئینات ساختمان براساس آیات و روایات است. مسأله دسترسی به ساختمان، جزو اولین و واجب‌ترین ویژگی‌های ظاهری یک ساختمان است؛ ممکن است یک ساختمان، ساختمان خوبی باشد، اما از حیث دسترسی، طراحی درستی نداشته باشد. مسأله دیگر ارتفاع ساختمان است که در روایت خیلی بر آن تأکید شده است؛ ذیل عنوان «سمک البیت» توصیه‌هایی وجود دارد که از ساخت ساختمان مرتفع نهی می‌کند و دلائلی برای آن ذکر شده است که آن دلائل، در حوزه سلامت و تنظیم روابط انسانی هستند. مسأله دیگر، حریم ساختمان است، هم در مورد درب ساختمان حضرات توصیه‌هایی دارند و هم در مورد پشت بام که از ساخت پشت بام‌های بدون حریم نهی شده است. مسأله رنگ ساختمان هم در روایات محل بحث است و به آرامش انسان‌ها کمک می‌کند؛ متأسفانه در معماری‌های جدید از رنگ سفید عبور شده است. رنگ سفید علاوه بر اینکه گرمای کمتری ایجاد می‌کند، به لحاظ روانشناسی اگر دائماً در محل دید انسان باشد و رؤیت شود، تأثیراتی مثبت دارد. مسأله تزئینات ساختمان که شامل صُوَر و تماثیل نباشد هم بحث‌هایی است که به آنها خواهیم پرداخت. پس در این سرفصل اخیر به مسأله ظاهر و تزئینات ساختمان از منظر آیات و روایات می‌پردازیم.

* **بسته هفتم: مقررات مرتبط با زیر ساخت های بهره برداری از ساختمان**

در سرفصل هفتم، به مسأله‌های گرمایش و سرمایش، فضای سبز، تهویه، اشراف ساختمان‌ها نسبت به یکدیگر، نظافت ساختمان و هوا خواهیم پرداخت. این‌ها یک مجموعه مقرراتی هستند که اگر نادیده گرفته شوند -حتی با وجود رعایت دیگر مقررات- باز هم ساختمان از حالت سکونت و آرامش خارج خواهد شد. در سابق مدل‌های گرمایش و سرمایش طبیعی وجود داشت که باید دید آیا می‌توان اینها را احیا کرد؛ در حال حاضر تحقیقاتی را دوستان ما در دانشگاه‌های ایران انجام می‌دهند که بر امکان گرمایش و سرمایش طبیعی ناظر است و حتی در بعضی جاها به مرحله نمونه سازی رسیده‌اند، آیا می‌توان اینها را تعمیم داد؟ اگر ایده ما در گرمایش و سرمایش طبیعی به سرانجام برسد، هم هزینه خانوار کاهش می‌یابد و هم گرمایش و سرمایش طبیعی به لحاظ تأثیر در سلامت مفیدتر و سالم‌تر از گرمایش و سرمایش مصنوعی است که إن شاء الله به اینها خواهیم پرداخت. در روایات به طور مفصل در مورد فضای سبز خانه و درختان و گل و گیاه‌های درون خانه بحث وجود دارد که همه این موارد مغفول مانده است و بحثی در مورد آنها نیست که إن شاء الله مطرح خواهیم کرد.

* **بسته هشتم: مقررات مرتبط با حیوانات خانگی**

سرفصل هشتم که یک سرفصل بسیار مهم است، مسأله حیوانات خانگی است. باز هم چون حوزه علمیه سرپرستی مباحثات این موضوع را نپذیرفته است، در آپارتمان‌ها به این سمت میل شده است که به شکل غیرقاعده مند از حیوانات خانگی استفاده می‌شود؛ درحالی که باید نسبت به این بحث و گفتگو شود. خود مسأله حیوانات خانگی اگر وجود داشته باشد، زیرساخت سلامت و بازی کودکان است. بنده در همینجا عرض می‌کنم -چون ممکن است به دلیل کثرت مباحثات به این بحث نرسم- به نظر ما احیای پرداخت قاعده مند به حیوانات خانگی، سرنوشت ساخت اسباب بازی و صنعت اسباب بازی را در دنیا متحول خواهد کرد. برای کودکان بازی با حیوانات خانگی بسیار جذاب‌تر از بازی با اسباب بازی مصنوعی خواهد بود. بنابراین مسأله پرداختن به حیوانات خانگی کمک می‌کند تا بتوانیم صنعت اسباب بازی را مدیریت کنیم. طبق برخی آمارها چهارمین صنعت پر سود دنیا است که در آن چالش‌های تربیتی و هویتی دیده می‌شود. البته در سال‌های اخیر سعی شده است تا مثلاً عروسک سارا و دارا در مقابل برخی از مدل‌های غربی آن ساخته شود، اما فکر می‌کنیم اینها راه حل‌های موقت است و فهم ما به نحو درایه از آیات و روایات این است که می‌توان مسأله اسباب بازی را با حیوانات خانگی جایگزین کرد و معماری دیگری برای آینده مسأله بازی طراحی کرد.

* **بسته نهم: مقررات مرتبط با مصالح ساختمان**

و درنهایت در سرفصل نهم از مقررات فقهی ساختمان، به مسأله مصالح ساختمانی می‌پردازیم. آیا در مورد مصالح ساختمانی باید به شکل فعلی عمل کرد؟ آیا این مقدار آهن در مصالح ساختمان باید پرکاربرد باشد؟ آیا مصالح ساختمان را باید طوری طراحی کرد که محیط زیست به چالش کشیده شود یا قید اول اسلام این است که از مصالحی استفاده شود که مضر به محیط زیست نباشد؟ این هم یک سرفصل است که به آن خواهم پرداخت.

بنابراین آنچنان که گزارش دادم، جلسه امروز در خبرگزاری رسا، یک جلسه آغازین برای مباحثات تفصیلی در حوزه ساختمان خواهد بود. همیشه عرض کرده‌ام که به فضل الهی در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی به یک بلا مبتلا نشده‌ایم و آن هم بلای اجمال گویی در حوزه نظام سازی است. در هر حوزه‌ای که شروع به بحث کرده‌ایم، حداقل به این شکل است که محتوای آموزشی عمیق براساس آیات و روایات در چهل جلسه درسی و بحثی آماده کرده‌ایم. البته معمولاً اینگونه است که حُسن الاستماع و حوصله مخاطبین ما -چه در دانشگاه، چه در دستگاه‌های اجرایی و چه در حوزه علمیه- کم بوده است و ما هم کمتر مباحثات را مطرح کرده‌ایم؛ اما باز هم در این جا برای چندمین بار متذکر می‌شوم که آفت اصلی نظام سازی، اجمال گویی و کلی گویی است. اگر مباحثاتتان کلیات ابوالبقا باشد و تفصیلی نباشد، آن مباحثات هیچگاه تبدیل به یک نقشه عینی و عملیاتی نخواهد شد و قابلیت مقایسه با نقشه‌های موجود را نخواهد داشت. بنابراین این سرفصلی که عرض کردم مقررات فقهی ساختمان است و از حضرت ولیعصر -ارواحنا فداه- تقاضا می‌کنم تا ایشان دعا بفرمایند که ما توفیق پیدا کنیم در جلسات تفصیلی‌ای تمام این ده سرفصل را محضر شما تشریح کنیم. اما به هر حال به اندازه‌ای که وقت جلسه امروز اجازه می‌دهد بنده وارد بحث می‌شوم و إن شاء الله در مورد ساختمان مطالبی را عرض می‌کنم.

* **شرح اجمالی بسته مقدماتی بحث**

به مقدمه و سرفصل اول بحث برگردیم. همانطور که عرض کردم در مسأله نظام سازی معتقد هستیم که نقطه آغازین در ایجاد نظم جدید در کشور -که ویژگی این نظم جدید این است که می‌تواند روابط انسانی را به نحو تکامل یافته لجستیک کند- تغییر هویت در ساختمان است. اگر در مسأله ساختمان، تعریف محله و شهر تحول ایجاد نکنیم، سایر تحولاتی را که بحث می‌کنیم به سرانجام نخواهد رسید.

بنده مثال می‌زنم تا بحث واضح‌تر شود. به عنوان مثال در حال حاضر وزارت دفاع حسب الأمر در مورد دفاع آینده بحث می‌کنند و مسأله دفاع از کشور، یک مسأله جدی است؛ کشوری که تهدیدات خود را در وضعیت فعلی و در آینده نشناسد، آن کشور با چالش‌های جدی رو به رو خواهد شد. پس مسأله مطالعات در مورد دفاع آینده، یک مسأله جدی است و باید به آن پرداخت. پدافند غیرعامل هم در این حوزه ورود پیدا کرده است؛ اگر مقررات ملی ساختمان را ملاحظه کنید، یکی از مسائل آن، مسأله پدافند غیرعامل در ساخت ساختمان است؛ یعنی به دنبال اقدامات غیرنظامی‌ای در حوزه ساختمان هستند که به دفاع کشور کمک می‌کند. پس به عنوان یکی از مثال‌ها عرض می‌کنم که اگر بتوانیم ساختمان را تغییر هویت دهیم، آثار دفاعی خواهد داشت؛ به این شکل که مسأله ساختمان تأثیر مستقیمی بر روابط میان انسان‌ها دارد و یک ساختمان بد می‌تواند روابط میان انسان‌ها را گسسته کند. بنابراین در روابط گسسته اجتماعی، مدل‌های دفاعی شکل دیگری پیدا خواهد کرد و اگر بتوانید ساختمانی بسازید که تأثیر آن پیوسته کردن روابط انسانی باشد، کار مدیران دفاعی کشور در فضای پیوستگی روابط انسانی آسان‌تر خواهد شد. در فضای گسستگی روابط انسانی، دفاع براساس ابزارهای تکنولوژیک و ابزارهای موشکی و سلاح‌های برتر طراحی می‌شود. اساساً وقتی یک دانشمند و استراتژیست حوزه دفاعی نقش روابط انسانی را در دفاع نبیند، وقتی مدل‌های دفاعی را برای آینده طراحی می‌کند، همه اینها را مبتنی بر برتری سلاح تعریف می‌کند. اما اگر مسأله پیوستگی روابط انسانی، موضوعیت پیدا کند، پس می‌توان بر اساس آن نه تنها خود عملیات‌های دفاعی را طراحی کنیم، بلکه لجستیک یک جنگ را هم براساس آن طراحی کنیم؛ مانند آنچه در هشت سال دفاع مقدس اتفاق افتاد. پیوستگی روابط انسانی در کشور ایران به امام خمینی -عظیم الشأن- اجازه داد تا مدل بسیج را در عملیات‌ها و لجستیک جنگ به کار گیری کند. مرحوم شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی هم در پدیده اخیر مدافعان حرم، از همین پیوستگی روابط انسانی استفاده کردند و آمریکا را در منطقه زمینگیر کردند. بنابراین مسأله پیوستگی روابط انسانی می‌تواند بافت معماری دفاع آینده کشور را بازتعریف کند. حالا اگر این مبنا را در حوزه دفاع بپذیریم -که ما در نظریه امنیتی سِلم همین را تشریح کرده‌ایم- مسأله پیوستگی روابط انسانی وابسته به ساختمان است؛ اگر ساختمان به نحو آپارتمان باشد، دیگر نمی‌توانید صله رحم داشته باشید و صله رحم، پیوستگی روابط انسانی ایجاد می‌کند و در نتیجه آثار آن در حوزه دفاع هم آشکار خواهد شد. بنده سابقاً که در وزارت دفاع مباحثاتی را داشتم، به دوستان عرض کردم که اگر می‌خواهید دفاع آینده کشور را بررسی کنید، باید بتوانید نقش روابط انسانی را در دفاع آنالیز کنید. اگر دفاع را مبتنی بر روابط انسانی بازتعریف کنید، بعداً نخواهید آمد تا مزیت‌های دفاعی کشور را تنها در حوزه سلاح تعیین کنید؛ بلکه حوزه سلاح تبدیل به یک عامل فرعی برای عامل اصلی حوزه دفاع -که مسأله پیوستگی روابط انسانی باشد- می‌شود. بنابراین به دلیل تأثیر ساختمان بر گسستگی یا پیوستگی روابط انسانی، زیرساخت حوزه دفاع و پدافند غیرعامل کشور هم هست. پس این هم یک سرفصل است که به صورت مجزا در نظریه امنیتی سِلم شرح داده‌ایم که خود آن هم جلسه تفصیلی دیگری را نیاز دارد.

یا مثال دیگر این است که به فضل الهی و برکت انقلاب اسلامی، تشکل‌های خودجوش حوزه تعلیم و تربیت خیلی فعالیت دارند و آرام آرام امید این می‌رود که بتوانیم در آینده یک آموزش و پرورش منسجم و متناسب با جهت گیری انقلاب اسلامی داشته باشیم؛ این یک نکته مثبت است، حال سؤال اساسی‌ای به وجود میاید: آیا تشکل‌های حوزه آموزش و پرورش و جریان‌های حوزوی و انقلابی‌ای که آموزش و پرورش فعلی را متناسب با جهت گیری انقلاب و اسلام نمی‌دانند، می‌توانند بدون یک ساختمان با ویژگی‌هایی که در آیات و روایات گفته شده است، تربیت را مدیریت کنند؟ به عنوان مثال یونسکو روزی را اعلام کرده است به عنوان روز جهانی کودک آزاری و مسأله کودک آزاری در کشور ما گسترش پیدا کرده است و در دنیا هم که به اوج خود رسیده است تا جایی که یونسکو سعی کرده است با مدل‌های معیوب خود مسأله را مدیریت کند. ریشه کودک آزاری چیست؟ وقتی بررسی می‌شود، یکی از ریشه‌های اساسی این است که ساختمان‌ها زیرساخت بازی مدیریت شده را در اختیار پدر و مادر قرار نمی‌دهند و همیشه مسأله مدیریت بازی کودکان دور از دسترس پدر و مادرها قرار می‌گیرد؛ پس یکی از بخش‌های اصلی معضل به این مسأله برمیگردد و البته بخش‌های دیگری هم دارد. حال اگر بتوانیم ساختمان را -به شرحی که عرض خواهم کرد- حیاط‌دار بسازیم، پس حیاط محل اصلی بازی کودکان می‌شود، اگر هم بتوانیم مقررات مربوط به حیوانات خانگی را احیا کنیم، آن وقت محیط بازی کودکان در خانه جذاب‌تر از گِیم‌نت ها یا محیط بازی پارک‌ها خواهد شد و این جذابیت طبیعی باعث می‌شود که عوارضی مانند کودک آزاری کاهش پیدا کند. پس اگر می‌خواهید ساختمان را بررسی کنید، باید ارتباط آن را با مسأله تربیت هم لحاظ کنید. البته الان بنده تنها مثال بازی را در تربیت گفتم، اما مخصوص به این نیست و همانطور که عرض کردم در بخش کارکردهای ساختمان عرض خواهم کرد که ساختمان در اسلام محل تبادلات علمی نیز هست. وقتی گفتگوهای علمی در درون یک خانه رخ می‌دهد، اثر تربیتی آن خیلی روشن است. وقتی پدر و مادر کارکردهای خانواده را احیا کنند و مثلاً منبر و گفتگوهای حدیثی و آیه‌ای را در خانه خود با مستمعین رَحِمی و همسایگان خود گسترش دهند، این کار افق نمایی کودک را تغییر خواهد داد و می‌توان آثار تربیتی آن را نیز مشاهده کرد.

یا مثلاً در مسأله اقتصاد، طبق محاسبات ما خانه‌های حیاط‌دار، بین 500 هزار تومان تا یک‌میلیون تومان، هزینه‌های زندگی خانوار را کاهش می‌دهد. البته این محاسبات برای موقعی بود که دولت تدبیر و امید، تدبیرهای فعلی خودش را در کاهش ارزش پول ملی انجام نداده بود؛ لذا باید محاسبه جدید هم بکنیم، این محاسبات برای حدود یک تا دو سال پیش است. به دلیل اینکه حیاط خانه به شما کمک می‌کند که یک سری اقلام اولیه زندگی را تأمین کنید، بدون اینکه منجر به آزار و تأذی همسایگان شود؛ بنابراین خود این بحث را در شرایطی مطرح کردیم که الآن کسی به کارکردهای خانه در حوزه اقتصاد نمی‌پردازد؛ یعنی گفتگوهای علمی در صداوسیما و دانشگاه‌های ما راجع به آن صورت نمی‌گیرد. وقتی درباره اقتصاد مقاومتی صحبت می‌شود، کسی در صداوسیما نمی‌آید کارکردهای حیاط خانه را در اقتصاد مقاومتی و کاهش هزینه‌های خانوار بحث کند.

این خودش سرفصل بحثی است که باید در سر فرصت بحث کنیم. من بیشتر از این، این مسأله را شرح نمی‌دهم و به آن نمی‌پردازم و تنها خواستم برای وزارت مسکن و شهرسازی شفاف کنم که چرا ما در حوزه الگوی پیشرفت اسلامی در حوزه علمیه قم در مسأله ساختمان حساس هستیم. ما مخالف جدی ساخت ساختمان در قالب آپارتمان به شکل فعلی هستیم. دلایل آن را خواستم تشریح کنم تا دوستان قدری به جای رفتن به کمبریج و ماساچوست و استنفورد، سری به حوزه علمیه قم بزنند تا با مفاهیم طراحی ساختمان در این حوزه آشنا بشوند. این سرفصل اول است. از آن عبور می‌کنم تا به سایر بحث‌ها بپردازم.

* **شرح اجمالی مقررات مرتبط با محل و زمین ساختمان**

بحث دومی که ما در مقررات ملی ساختمان یا در واقع اولین نوع از مقررات داریم، راجع به حساسیت اسلام راجع به محل ساخت ساختمان است. ساختمان را باید کجا ساخت؟ آیا می‌توان در هر جایی ساختمان ساخت؟

از بعضی از روایات معلوم می‌شود که نمی‌توان در همه جا ساختمان ساخت. من به عنوان نمونه به بعضی از روایات اشاره می‌کنم و البته خود این نیازمند چند جلسه است تا ظهورگیری و بحث سندی راجع به این روایات کنیم که من به دلیل ضیق وقت از همه این‌ها عبور می‌کنم.

روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل‌شده که می‌فرماید: «اِنَّ لِلّدارِ شَرَفا وَ شَرَفُهَا السّاحَةُ الْواسِعَةُ وَ الْخُلَطاءُ الصّالِحونَ وَ اِنَّ لَها بَرَکةً وَ بَرَکتُها جَودَةُ موضع‌ها وَسَعَةُ ساحت‌ها وَ حُسْنُ جِوارِ جیرانِها» خب در این روایت دو فقره وجود دارد که من به آن می‌پردازم که این‌ها دلالت دارد بر اینکه جای ساختمان نمی‌تواند هر جایی باشد. یکی آنجا که فرمود «جودة موضع‌ها» یعنی باید جایگاه ساختمان خوب باشد. در ادامه این را توضیح می‌دهد. یکی هم فرمود: «حسن جوار جیرانها» یعنی ساختمان با برکت ساختمانی است که همسایگان خوب داشته باشد. پس ببینید از این روایت می‌توان استفاده کرد که محل ساخت ساختمان باید در یک محیط همسایگی صحیح و جای خوبی طراحی شود. در ادامه روایت توضیح می‌دهد مراد از جای خوب، محیط همسایگی صحیح است. در آن روایتی که در اول جلسه در خدمتتان قرائت کردم، حضرت فرمود: «الجار ثم الدار» مسأله همسایگی و محیط همسایگی مسأله مهمی است.

ما اینجا بحثی را انجام دادیم که مراد از همسایه خوب چیست؟ اینجا ده‌ها روایت وجود دارد. این مسأله ساخت ساختمان و ارزیابی ساختمان بر اساس محیط همسایگی، نیاز به بازشکافی مفهوم همسایه و محیط همسایگی دارد. در این مسأله ده‌ها روایت وجود دارد. ما بر اساس قاعده بیان مبتنی بر ظرفیت از مسأله محیط همسایگی در روایات و آیات به «محله» تعبیر کرده‌ایم و در نظریه مدیریت شهری محله‌محور تا الآن بیش از هزار صفحه بحث گفتیم که محیط همسایگی یعنی چه؟ یکی از فرق‌هایی که مباحثات ما با اخباری‌های شیعه دارد، این است که به صورت تفصیلی مفهوم همسایگی و محیط همسایگی را شکافتیم.

من با دقت‌ها و احتیاطات زیاد رجالی عرض می‌کنم که ده‌ها روایت وجود دارد؛ یعنی اگر قدری به لحاظ رجالی آسان‌گیر هم باشیم، شاید روایاتش به بیش از 100 مورد روایت درباره تعریف مفهوم همسایگی و به تعبیر ما تعریف دقیق «محله» برسد. من اینجا دعوت می‌کنم این کتاب نظریه مدیریت شهری محله‌محور را که در ذیل مفهوم «محله»، محیط همسایگی را تعریف کرده‌ایم، به عنوان لازمه بحث ببینید که این مسأله واضح شود.

دقت کنید یک نکته فنی در این روایت وجود دارد؛ «همسایه»، «جیران»، «حسن‌الجوار» را که در بعضی روایات آمده، نباید با لغت معنا کرد، بلکه باید بر اساس روایات دیگر این را شرح داد تا کاملاً واضح شود؛ چون اگر شما عرفی معنا کنید و مثلاً بگویید «همسایه خوب» کسی است که شب‌ها سروصدا نداشته باشد و باعث تأذی همسایه‌ها نشود. این تعریف عرفی، فقط همین مقدار دامنه معنایی دارد؛ اما اگر آمدید و مجموع روایات حوزه همسایه را بحث کردید، گفتگوها خیلی توسعه پیدا می‌کند و همان طور که عرض کردم مفهومی به نام محله شکل می‌گیرد.

اینجا نکته‌ای را مطرح کنم: در ادبیات مسکن و شهرسازی که هبیتات و بخش یازدهم سند توسعه پایدار 2030 ‌ مطرح می‌کند، یک مفهوم غلطی از محله مبنا قرار گرفته است؛ یعنی ما اصطلاح محله را در ادبیات شهرسازی و مدیریت شهری داریم ولی نه با قید همسایگی که در آیات و روایات بحث شده است.

لذا وقتی ما همیشه در شهرداری‌ها و شوراهای شهر بحث می‌کنیم، به دوستان می‌گوییم از واجبات شما بازتعریف مفهوم محله است و باید این مفهوم را بر اساس روایات محیط همسایگی، روایات مسجد و بعضی حوزه‌های دیگر، بازتعریف کرد؛ بنابراین این‌یک سرفصل است که باید راجع به آن صحبت کنیم. ذیل این سرفصل محل ساختمان، ما مسأله مهم زمین ساختمان را مطرح کردیم، به این دلیل که ما در زمین ساختمان با دو مشکل روبرو هستیم.

مشکل اول این است که الآن حدود 70% از هزینه ساختمان مربوط به تأمین هزینه زمین است. باید راجع به این فکری کنیم. اگر قرار است در کشور جمهوری اسلامی، خانه‌های آینده را در قالب محله و با قید «دار واسعه» بسازیم، باید ابتدا مسأله زمین ساختمان را حل کنیم. اینجا باید مجموعه‌ای از اقدامات بحث شود، از جمله اینکه از جمله اینکه باید خرید و فروش زمین به عنوان یک کالای تجاری، هم از نظام ارزشی و هم از نظام قانونی کشور حذف شود. ما در روایت اسلامی مسأله خرید و فروش زمین را یک خرید وفروش بی‌برکت معرفی کرده‌ایم.

بنابراین نمی‌توانید نگاه به مسأله خرید و فروش زمین را بر اساس فقه اسلامی مثل دیگر کالاها ببینید؛ چون اگر آن را به کالاهای رایج تجاری تبدیل کردید، کما اینکه الآن این‌طور است و مردم فکر کنند زمین هم یکی از اقلام تجاری پرسود محسوب می‌شود؛ معنایش این است که خانه برای همه گران تمام می‌شود؛ یعنی همه ضررش را خواهند دید.

من همین‌جا به مجلس شورای اسلامی عرض می‌کنم که این تنها با قانون حل نمی‌شود که «قانون مالیات بر عائدی سرمایه» را وضع کنید. این موضوع باید در طبقه‌بندی مشاغل و نظام آموزشی هم اصلاح شود. ما در فقه المکاسب یک بحثی داریم - باب اول مکاسب ماست- که در روایات و آیات اولین چیزی که اهل‌بیت بر آن تاکید داشته‌اند که علت پیدایش یک نظام اقتصادی جدید در مقابل نظام اقتصادی لیبرال و کمونیست و سایر اقتصادهای مکاتب می‌شود؛ این است که راجع به طبقه‌بندی مشاغل بحث کرده‌ایم. برادر خوبم آقای علوی بروجردی وقتی در مصاحبه‌شان بحث می‌کردند و می‌گفتند مسأله مالکیت در دیدگاه‌های کمونیستی به یک شکل است در دیدگاه‌های لیبرالیستی به یک شکل است و بعد تاکید می‌فرمودند که اسلام نظام اقتصادی خاصی ندارد؛ یک اشتباه فنی را مرتکب شدند: و آن عبارت از این بود که فکر می‌کردند مسأله مالکیت معیار ساخت مکتب است و براساس مسأله مالکیت قضاوت کردند و گفتند که آیا اسلام مکتب اقتصادی دارد یا نه. خوب اصلاً مجرا عوض می‌شود در این‌که ما قضاوت کنیم اسلام مکتب اقتصادی دارد یا نه. ما همیشه عرض کرده‌ایم که معیار قضاوت مسأله طبقه‌بندی مشاغل است. اگر در مجموعه روایات، روایاتی پیدا نکردید که مشاغل را طبقه‌بندی کنند من هم با ایشان همراهی می‌کنم که اسلام نظام اقتصادی خاصی را ندارد. ما معیار قضاوت در مورد این‌که اسلام اقتصاد و مکتب اقتصادی دارد یا ندارد مسأله طبقه‌بندی مشاغل می‌دانیم. حالا البته باید در جلسات دیگری بیشتر شرح دهیم.

به‌هرحال می‌خواهم بر این نکته تاکید کنم که یکی از فوائد طبقه‌بندی مشاغل این است که شغل در حوزه خریدوفروش خانه و در حوزه خرید و فروش زمین در روایات اسلامی یک شغل پست و بی‌برکت معرفی می‌شود. بنابراین مشاغلی که این را به عنوان ممرّ اصلی درآمد و کاسبی خودشان قرار می‌دهند به لحاظ برکت مشاغل بی‌برکتی محسوب می‌شوند. یکی از روایات می‌فرماید اگر کسی خانه خود را فروخت و خواست پول آن برکت پیدا کند حتماً باید با آن یک خانه دیگر برای خودش بخرد. یعنی نهی کرده‌اند که ما پول فروش خانه را خرج کار دیگری کنیم، در مورد زمین نیز هست و حالا روایت دیگری هم بحث شده است. پس نمی‌توان با صِرف قانون مسأله زمین را حل کرد، باید نظام ارزشی جامعه را تغییر داد. وقتی جامعه به همه چیز نگاه کالای پرسود می‌کند آن وقت شما نمی‌توانید با قانون جلوی این را بگیرید. مسأله بازارهای موازی که به اصطلاح اقتصاددان‌ها ایجادشده اصلش به این برمی‌گردد که نظام مکاسب اسلام توسط حوزه‌ها بحث نمی‌شود، طبقه‌بندی فقهی مشاغل بحث نمی‌شود. پس این یک مشکل است.

عرض کردم که در حوزه زمین ۲ مشکل داریم: یکی این‌که قیمت زمین بسیار بالا است، پس بنابراین نمی‌شود خانه با قید دار واسعه ساخت. قید دومی این هست که متأسفانه در سال‌های قبل در زمان حکومت پهلوی این قید فراوان بوده و در جمهوری اسلامی هم به‌صورت معدود بنده خبر دارم این اتفاق رخ داده که مسأله غصب در زمینِ ساختمان اتفاق می‌افتد. منتهی غصب‌هایی که یک طرف آن یک نهاد دولتی بوده است و یک اشتباه اتفاق افتاده است. البته ظاهر مبادله‌ای هم داشته ولی طرف فروشنده راضی نبوده است، طرف فروشنده با اجبار زمین خود را در اختیار آن نهاد قرار داده است. البته خودِ این یک پرونده است و برای من هنوز هضم نشده که چرا اختیار زمینه‌های موات در اختیار مردم قرار نمی‌گیرد. ما با طرح‌های هادی و با طرح‌هایی که در حوزه جنگل و زمین هستند اختلاف نظرهایی داریم که آن‌ها را مجزا در یک جلسه بحث می‌کنیم. پس بنابراین ذیل مسأله محل ساختمان به دنبال این هستیم که از طریق در اختیار مردم قرار دادن زمین انفال، قیمت زمین را کاهش دهیم؛ خرید و فروش آن را قانونی و در نظام ارزشی مدیریت کنیم. بنابراین این آرمانی که ما خانه هزار متری یا ۵۰۰ متری بسازیم بدون رعایت این قید در حد آرمان باقی خواهد ماند. اما اگر حکومت و ولی‌فقیه تصمیم بگیرد و یک نهاد حکومتی تصمیم بگیرد برای سرپرستان خانوار از محل انفال زمین رایگان در اختیار قرار بدهد آن وقت قیمت ساخت ساختمان به ۳۰ درصد قیمت تمام‌شده فعلی تمام می‌شود و به لحاظ اجرایی هم خیلی می‌توان بر روی آن حساب کرد. البته ذیل این مطلب یک شبهه‌ای مطرح شده و آن هم این‌که مشکلات مدیریتی را چه کار کنیم؟ شهرها بزرگ خواهند شد. ما در روایات نهی شده‌ایم از این‌که شهر بزرگ داشته باشیم. بنابراین فواصل شهرها را رعایت می‌کنیم و یک چیزی مثل شهرهای شمال در ایران شکل خواهد گرفت؛ یعنی شهرهای کوچکی که به لحاظ مدیریتی مستقل هستند ولی به لحاظ فاصله با ۵ کیلومتر ۱۰ کیلومتر شهر دیگر آغاز می‌شود. بنابراین شهرداری‌ها نگران نباشند که قدرت اداره یک شهر بزرگ را نداشته باشند. اساساً ما به دنبال طراحی شهرهای کوچک خواهیم رفت. یا بحث مسأله مدیریت آب در این‌جا مطرح خواهد شد که در ادامه اگر وقت کنم به آن می‌پردازم. ما به سامانه‌های تأمین آب غیرمتمرکز فکر کرده‌ایم؛ سامانه‌های تأمین آب غیرمتمرکز ۶ بخش دارد که این را بعداً مفصل بحث خواهم کرد. مثلاً شما می‌توانید لااقل آب غیرِ شرب را از محل تغییر مدل سقفِ ساختمان تأمین کنید. اگر شما به طراحی‌های جدید در ساخت سقف ساختمان فکر کنید که بتواند آب از محل بارندگی را در یک مخزن تجمیع کند، میزان بارندگی که در یک سال اتفاق می‌افتد جواب‌گوی تقریباً تمام نیازهای شستشو و نیازهای غیرشرب شما خواهد بود. بنابراین این‌ها هم راه‌حل دارد. من به این جهت به این‌ها اشاره کردم که آقایان بعداً نگویند اگر شما می‌خواهید دار واسعه بسازید به مشکلاتی، شبیه به مشکلاتِ مدیریت آب و زمین و این‌ها مبتلا خواهید شد. خیر؛ ما برای همه این‌ها فکر کرده‌ایم و عدد و آمار و ارقام آن را می‌توان در یک جلسه دیگر بحث کرد. پس این سرفصل اول است؛ سرفصل اول قید اصلی‌اش این است که باید به محل ساخت ساختمان در محیط همسایگی فکر کرد. به تعبیر ما ساختمان باید در هویت محله‌ای ساخته شود. لذا مجلس شورای اسلامی اگر در دوره بعدی فکر می‌کند که مسکن انقلاب را بسازد، مسکن انقلاب نباید در قالب آپارتمان باشد؛ بلکه باید در قالب هویت همسایگی و محله‌ای باشد. این یک سرفصل است.

* **شرح اجمالی مقررات مرتبط با حیاط خانه**

بخش دوم مقرراتِ ساختمان، حیاط ساختمان است. همان‌طور که در روایت اشاره کردم حضرت می‌فرماید «إنَّ لِلدّارِ شَرَفا ، وشَرَفُهَا السّاحَةُ الواسِعَةُ». من داخل پرانتز یک نکته را عرض کنم: مفاهیمی که خانه براساس آن توضیح داده شده است، همان مفاهیمی هستند که تنظیم روابط انسانی و سعادت انسان براساس آن توضیح داده شده است. در همین روایت وقتی می‌خواهد راجع به خانه صحبت کند، از مفهوم شرف و برکت استفاده شده است. در روایات محاسن و در روایات کافی از مفهوم سعادت استفاده شده است. دوستانی که روایت و آیه می‌خوانند می‌دانند که مفهوم شرف، برکت و سعادت، مفاهیم حوزه مصالح و کوه و دریا نیستند؛ بلکه در اصل مفاهیم تنظیم روابط انسانی هستند و این مفاهیم را در آیات روایات به مسأله ساختمان تعمیم داده‌اند. و معنایش این است که مسأله ساختمان در شرفِ انسان‌ها و برکت انسان‌ها و سعادت انسان‌ها تأثیر دارد. به لحاظ ظهور لفظ عرض کردم که طلبه‌های نکته‌فهم به این مسأله توجه کنند که مفاهیم، همان مفاهیم تنظیم روابط انسانی هستند. یعنی ظهور اولیه مفهوم شرف و مفهوم برکت و مفهوم سعادت، تنظیم روابط انسان‌ها است. در درجه اول این مفاهیم با انسان معنی می‌شوند و به دلیل تأثیر خانه بر زندگی انسان‌ها، این مفاهیم به خانه هم سرایت پیدا کرده است. حالا این را به‌عنوان نکته درایه‌ای بحث کردم.

در این‌جا حضرت می‌فرمایند «وشَرَفُهَا السّاحَةُ الواسِعَةُ»؛ ابتدا وقتی بحث می‌کنند می‌فرمایند اولین قید شرف خانه این است که حیاط وسیع داشته باشد. خوب حیاط چیست که به این میزان در ساختمان مهم هست و ما در بحث‌های فقهی خودمان باب دوم مقررات فقهی را به حیاط اختصاص داده‌ایم.

من با سواد اندک خودم عرض می‌کنم و اگر وقت باشد حاضرم ده جلسه راجع به حیاط و آثار آن بحث کنم. اولین اثری که در مسأله حیاط وجود دارد، توسعه مسأله تفریح است؛ یعنی شما خانه بدون حیاط را باید خانه بدون تفریح بدانید. معنایش این است که اگر حیاط را حذف کنید افراد خانواده که نیاز حتمی به تفریح دارند برای تأمین تفریح باید از خانه خارج شوند. پس مفهوم پارک و شهربازی و مسافرت‌های آخر هفته خیلی موضوعیت پیدا می‌کند که مدیریت خود آن‌ها یک عوارضی دارد. اما اگر حیاط در خانه تعبیه شود؛ تفریح اول قطعاً خانه خواهد شد. اتفاقاً در آینده ان‌شاءالله اینطور خواهد شد که افراد از بیرون به خانه پناه می‌آورند نه این‌که الان مسافرت‌های آخر هفته پناهگاه آدم‌ها شود و فرار کنند. مسأله حیاط به این میزان مهم است.

خب در مسأله تفریح که زیرساخت آن حیاط است سرفصل‌هایی را داریم، از جمله مسأله مترقی ایوان خانه. آقایان دقت کنید، این بحث‌ها تا الان مغفول بوده است و باید مقداری در آن‌ها دقت کرد. ما در مسأله خانه ۳ نوع فضا داریم: یک فضای بسته در خانه داریم، یک فضای باز داریم و یک فضای نیمه‌باز. در طراحی کالبد یک ساختمان این ۳ نوع فضا طراحی می‌شود. حالا اگر حیاط در یک خانه بود فضای نیمه‌باز خانه می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد و مفهوم ایوان متولد می‌شود. اگر شما خانه‌های قدیمی را بررسی کنید ایوان داشتند. یک طرف ایوان به حیاط خانه و یک طرف آن به فضای بسته خانه وصل است و فضای نیمه باز محسوب می‌شود. خب کارکردهای آن را ببینید: به دلیل تهویه عالی، به دلیل نور مناسب، به دلیل چشم‌اندازی که به حیاط دارد معمولاً ایوان‌ها محل انداختن سفره‌ها بوده است؛ یعنی ایوان محل استراحت‌های موقت بوده است، محل مهمانی‌های کوچک و موقت خانم‌ها بوده است. محیط ایوان، محیط خیلی استراتژیکی برای خانه است. درحالی‌که شما الان حیاط را که حذف کرده‌اید مفهوم ایوان به مفهوم بالکن تغییر هویت داده است. بالکن فضای نیمه باز محسوب می‌شود و از یک‌سو به فضای بسته خانه و از سوی دیگر به فضای باز ارتباط دارد، ولی چون یک طرف آن حیاط نیست و حریم و امنیت از دست رفته است کارکردهای ایوان را ندارد. پس وقتی شما مفهوم حیاط را حذف می‌کنید در فضاهای نیمه‌باز تغییر هویت می‌دهید و دیگر فضاهای نیمه‌باز شما قابلیت استفاده ندارد.

حالا البته راجع به مفهوم ایوان در معماری باید بحث‌هایی کنیم که بعداً مطرح می‌کنیم. ولی به هرحال اگر شما ادعای این را دارید که می‌خواهید تفریح را به خانه برگردانید من عرض می‌کنم بدون مفهوم ایوان نمی‌شود و مفهوم ایوان هم وابسته به مفهوم حیاط است. حیاط است که حجاب و حریم برای ایوان درست کرده و ایوان را به یک محیط تفریحی برای اعضای خانواده تبدیل می‌کند خب خودِ این می‌تواند موضوع پایان‌نامه قرار بگیرد که ایوان از معماری گذشته ما تا الان چه تغییری پیدا کرده است که الان بالکن‌های آپارتمانی شکل گرفته که کارکرد آن فقط این است که محل خشک کردن لباس‌ها است و دیگر آن کارکردهای سابق را ندارد. پس یک بخشی از حیاط ساختمان این است که حیاط باعث می‌شود مفهوم ایوان به وجود بیاید.

خب عرض کردیم حیاط محل نگهداری حیوانات خانگی است. به خود بحث حیوانات خانگی خواهیم پرداخت؛ مسأله حیوانات خانگی بدون مفهوم حیاط به چالش تبدیل می‌شود. در آپارتمان‌های فعلی شما باید حیوانات خانگی را به درون خانه بیاورید که سلامت خانه به چالش کشیده می‌شود. بنابراین مفهوم بازی و مفهوم اسباب‌بازی و تفریح یکی از زیرساخت‌هایش مسأله حیوانات خانگی است و بدون حیاطِ خانه شما نمی‌توانید انواع و اقسام حیوانات خانگی را داشته باشید. در سرفصل حیوانات خانگی در جلساتی دیگر به آن خواهیم پرداخت. پس این هم مسأله حیاط است. به قول آن حکیم خانه‌ای که حیاط ندارد حیات ندارد و این خودش یک سرفصل است که باید راجع به آن بحث کنیم. ارتباط حیاط خانه با فضای سبز، ارتباط حیاط خانه با اقتصاد مقاومتی، ارتباط حیاط خانه با امنیت همه این‌ها باید به صورت مجزا بحث شوند.

* **شرح اجمالی مقررات مرتبط با جانمائی و طراحی نقشه**

در این بخش من به یک نکته دیگر اشاره کنم: ما در روایاتمان یک مجموعه بحث داریم تحت عنوان جانمایی و نقشه ساختمان. راجع به این هم باید بحث بکنیم. ساختمان چطور باید ساخته شود و نقشه آن چطور باید باشد؟ این را باید ان‌شاءالله گفتگو کنیم. من به بعضی از روایات اشاره می‌کنم. مثلاً در روایات داریم که حضرت فرمودند محل طراحی توالت و دست‌شویی باید «فِی اَستَرِ مُوضِعِهُ» در جای پنهان باشد. حضرت این‌جا در مورد نقشه ساختمان بحث می‌کنند. پنهان‌ترین جای ساختمان را باید محل طراحی دست‌شویی قرار داد. خب این در گسترش حیا اثر دارد و یکی از آثارش این است که حیاء را گسترش می‌دهد. شما الآن می‌بینید که در نقشه‌های ساختمان‌های فعلی دست‌شویی دقیقاً در مرکز خانه قرار دارد و این یک جانمایی غلط است و تأثیر منفی در روابط انسانی دارد. ناگفته پیداست که چه چالش‌هایی را ایجاد می‌کند: وقتی مهمان می‌آید، وقتی اعضای خانواده نیاز به دست‌شویی پیدا می‌کنند عملاً دست‌شویی رفتن به یک عذاب روحی تبدیل می‌شود. لذا این قید خیلی مهمی است که در روایات بر روی آن تاکید شده است.

یا در بعضی از روایات این‌طور فرموده‌اند که جبرئیل به پیامبر عرض کرد « إنّا لا نَدخُلُ بَیتا فیهِ صُورَةُ إنسانٍ ، و لا بَیتا یبالُ فیهِ ، و لا بَیتا فیهِ کلبٌ» ما را نهی کرده‌اند در خانه‌ای داخل شویم که تخلی و بول اتفاق می‌افتد. خب این [بخش حدیث] دارد راجع به جانمایی بحث می‌کند.

یا در مورد محل حمام در روایات آمده است که باید در اکناف دار باشد، در گوشه خانه باید طراحی شود نه در مرکز. در حکمت آن در روایات بحث شده است که اگر کسی حمام خانه را که یک محل‌تر است در وسط خانه طراحی کند از نتایجش این خواهد شد که موجودات ماورایی و اجنه رفت و آمدشان در خانه زیاد می‌شود. دو چیز در روایات ما به عنوان مسائل مورد علاقه اجنه معرفی شده‌اند: یکی آب و یکی آهن؛ آهن در روایات معرفی شده است که زینت اجنه است، آب هم مورد علاقه جدی آن‌ها است. بنابراین در روایات توصیه شده است که حمام خانه را در اکناف دار طراحی کنید تا منشأ رفت‌وآمد اجنه در خانه شما نشود و به اصطلاح بیماری‌های ماورایی شکل نگیرد. البته من در این پرونده بیماری‌های ماورایی تاکید می‌کنم که الان مکرر اتفاق می‌افتد که یک خانواده دچار بیماری‌هایی می‌شود، مثلاً بیماری‌های عصبی. این‌ها مکرر هم به اطباء رجوع می‌کنند ولی مسأله حل نمی‌شود. یکی از بحث‌هایی که در روایات ما به‌عنوان منشأ بیماری معرفی شده است ساخت خانه‌هایی است که به دلیل عدم طراحی صحیحِ آن‌ها، محل رفت‌وآمد اجنه می‌شود. در روایات سمک البیت هم همین مبنا ملاک است. ارتفاع بیت چقدر باید باشد؟ در روایات امیرالمؤمنین فرمودند اجنه ساکن زمین نیستند، ساکن هوا هستند. بنابراین شما ساختمان خود را در منطقه رفت‌وآمد آن‌ها بنا نکنید. در غیر اینصورت سلامت شما به چالش کشیده خواهد شد، خصوصاً سلامت فرزندانتان. این‌ها بحث و گفتگو باید شود. البته من این‌جا داخل پرانتز این نکته را عرض کنم که این یک جهان‌بینی متفاوت است که ما آن را بر طراحی آپارتمان حاکم می‌بینیم. دوستان ما باید جدول تسخیر که ما بحث کرده‌ایم را مطالعه کنند. مباحثات آن جدول، زیرساخت این بحث‌ها است و خیلی نمی‌شود با دیدگاه‌های پوزیتیویستی اجنه را توصیف کرد. نمی‌توان آن را انکار کرد ولی نمی‌توان اخلاقیات آن‌ها، همزیستی آن‌ها، تأثیرات آن‌ها بر زندگی انسان را با نگاه پوزیتویستی توصیف کرد. بنابراین حتماً یک نگاه فقهی عمیق دارد که حالا این‌ها را بحث کرده‌ایم.

در مسأله آشپزخانه آشپزخانه کجا باید باشد؟ باز در طراحی‌های فعلی آشپزخانه در مرکز ساختمان است ولی در آیات و روایات در کناره‌های ساختمان قرار دارد. این مسأله کمک می‌کند به این‌که افراد ریزه‌خوار نشوند، دائماً غذا مصرف نکنند. وقتی آشپزخانه در دسترس باشد یکی از خاصیت‌های این است که دسترسی به غذا آسان می‌شود و یکی از عواملی که سلامت انسان‌ها را به چالش کشیده و برای انسان‌ها مشکل ایجاد می‌کند اکل دائمی غذا است که انسان‌ها دائماً درحال خوردن و آشامیدن هستند. یکی از فوائد دیگر طراحی آشپزخانه در کنار خانه مسأله تولید نان است. شما می‌دانید در روایات ما یک بحث تفصیلی وجود دارد راجع به این‌که باید نان را در خانه پخت و اساساً خرید آرد و و خرید نان علت محق و علت فقر معرفی شده است و اگر شما می‌خواهید از فقر و هلاکت عبور پیدا بکنید باید به پخت نان در خانه فکر کنید. خوب به لازمه این روایت اگر آشپزخانه درون خانه باشد پخت نان در خانه یک چالش درست می‌کند. پس به دلیل روایات باب نان هم ما استظهار می‌کنیم که در نقشه ساختمان، آشپزخانه باید در محیط دیگری غیر از محیط اصلی خانه طراحی شود. البته فواید دیگری هم دارد. پس این جانمایی و نقشه ساختمان هم یک سرفصل است که باید آن را هم بحث کنیم. مشخصاً ما در نقشه ساختمان قائل به این هستیم که دست‌شویی خانه حمام خانه و آشپزخانه خانه باید بریده از فضای خانه و در درون حیاط طراحی شود که ان‌شاءالله به آن خواهیم پرداخت. من فکر می‌کنم اگر خدای متعال توفیق دهد بقیه سرفصل‌ها را در جلسات دیگر بحث کنیم. برای مخاطبی هم که اولین بار از این بحث‌ها استماع می‌کند خسته‌کننده نباشد.

من در جلسه امروز سه مورد از مقررات فقهی ساختمان را بحث کردم و سرفصل‌های خریدوفروش ساختمان و مشارکت برای تهیه مسکن، بهره‌برداری از ساختمان، دسترسی، ارتفاع، حریم، رنگ، تزئینات –که همین ظاهر ساختمان است- گرمایش و سرمایش، فضای سبز، اشراف، هوا، نظافت، حیوانات خانگی و مصالح؛ این سرفصل‌های شش‌گانه را إن‌شاءالله در جلسات دیگری محضر شما تشریح خواهم کرد.

و الحمدلله رب العالمین